



مقایسه تطبیقی ارکان فلسفی ترویج با نظریه‌های محیط‌زیستی: راهبردی برای

مدیریت محیط‌زیست روستایی

فاطمه پورقاسم^۱، امیرحسین علی‌بیگی^{۲*}، عبدالحمید پاپزن^۳

۱. دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

۲. دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

۳. دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۹ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۴

Comparative Comparison of Extension Philosophical Principles with Environmental Theories: A Strategy for Management of Rural Environment

F. Pourghasem¹, A. H. Alibaygi^{2*}, A. Papzan³

1. PhD. student of Agricultural Extension, Faculty of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran.

2. Associate Professor of Agricultural Extension and Education Department, Razi University, Kermanshah, Iran.

3. Associate Professor of Agricultural Extension and Education Department, Razi University, Kermanshah, Iran.

Received: 2017/04/24

Accepted: 2016/12/20

Abstract

The aim of this comparative - descriptive study was to compare extension philosophy with ethical and environmental theories in order to find a strategy for rural environment management. Analysis and comparison of the environmental viewpoints revealed that some philosophical principles of extension is in direction of environmental theory but extension have not been benefited from these principles to protect rural environment and haven't attention to environmental protection in favor of production. According to the problems of rural environment, goals and functions of extension need to be updated and changed to solve this problems. Therefore, Islam philosophy and the viewpoints of environmentalism such as deep ecology, greens, social ecology, and bio-regionalism can guide extension in solving environmental issues. Analysis of the documents showed that extension should emphasize moderation, diversity, balanced development, development of human capacity, enhance productivity, promoting environmental ethical-religious values and respect to nature alongside emphasis on indigenous knowledge, leadership of local leaders, people participation, support of popular organization, foresight and systematic thinking until to achieve sustainable agricultural development and ultimately a balanced development of local communities.

Keywords: Extension Philosophy, Environmental Theories, Rural Environment, Balanced Development of Local Communities.

چکیده

هدف از مطالعه تطبیقی - توصیفی حاضر، مقایسه فلسفه ترویج با نظریه‌های اخلاقی و دیدگاه‌های محیط‌زیستی به منظور یافتن راهبردی در جهت مدیریت محیط‌زیست روستایی است. تحلیلی بر دیدگاه‌های محیط‌زیستی و مقایسه این نظریه‌ها نشان می‌دهد با توجه به اینکه بعضی از اصول فلسفی ترویج در جهت نظریه‌های محیط‌زیستی است، اما ترویج از این اصول برای حفاظت محیط‌زیست روستایی بهره نبرده و حفظ محیط‌زیست را به نفع افزایش تولید، کمتر مورد توجه قرار می‌دهد. با توجه به معضلات محیط‌زیست روستایی، اهداف و وظایف ترویج برای حل این معضلات، نیازمند به روز رسانی و تغییر هستند، لذا فلسفه اسلام و دیدگاه‌های محیط‌زیست‌گرایی مانند بوم‌شناسی عمیق، سبزه‌ها، بوم‌شناسی اجتماعی و منطقه‌گرایی زیستی می‌تواند راهنمای ترویج در حل مسائل محیط‌زیست باشد. تحلیلی ژرف‌نگرانه بر مستندات نشان داد که ترویج باید اعتدال، تنوع، توسعه متوازن، توسعه ظرفیت‌های انسانی، ارتقاء بهره‌وری در تولید، ترویج ارزش‌های اخلاقی - دینی محیط‌زیستی و احترام به طبیعت را در کنار تکیه بر دانش بومی، رهبری رهبران محلی، مشارکت مردم، حمایت از تشکیل سازمان‌های مردمی، آینده‌نگری و تفکر سیستمی مورد تأکید قرار دهد تا دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی و نهایتاً توسعه متوازن جوامع محلی امکان‌پذیر گردد.

واژگان کلیدی: فلسفه ترویج، نظریه‌های محیط‌زیستی، محیط‌زیست

روستایی، توسعه متوازن جوامع محلی.

مقدمه

پیشرفت‌های علمی و فناوری در زمینه‌های مختلف، علاوه بر فواید غیرقابل انکار برای بشر، مشکلاتی با خود به همراه آورد که مهم‌ترین آنها مسائل و مشکلات مربوط به محیط‌زیست است (Ghasemi & Alavi Moghaddam, 2009). بدون شک بحران‌های محیط‌زیستی حال حاضر، نتیجه اندیشه‌های مادی‌نگر و توسعه‌طلب انسان و معلول کژاندیشی فکری اوست (Amigh & Hosseini, 2006). در حال حاضر انسان به عنوان موجودی سلطه‌جو نه تنها باعث تخریب طبیعت شده، بلکه به نوعی بیگانگی از آن دچار شده که او را از طبیعت دورتر می‌سازد (Kiani Haft Lang, 2005).

متفکران بر این باورند که حل مسائل محیط‌زیست جدای از امور فنی، نیازمند رویکرد جدیدی شامل رویکردهای جامعه‌شناختی، اخلاقی، فلسفی و غیره است (Alavi Moghaddam & Ghasemi, 2009: 51). لذا طرح مباحث اخلاق محیط‌زیستی بدان روست که نگرش‌های مادی، اومانستی و لیبرالیستی که محور همه امور را انسان می‌دانند، در مدیریت، حفظ و ارتقای منابع محیط‌زیست فرومانده است. در این میان گام اول حفظ محیط‌زیست، همانا تغییری است که در درک ما از محیط طبیعی و نقش و مسئولیت ما نسبت به آن پدید آمده است. گام دوم این عرصه، زمانی برداشته می‌شود که ارزش‌های اخلاقی مربوط به محیط‌زیست، فراگیر و جهانی شود و از سوی همه جوامع و مکاتب پذیرفته و رعایت شوند. در غیر این صورت پیامدهای اعمال ضد اخلاقی در ارتباط با محیط‌زیست دامان همه انسان‌ها و جوامع را خواهد گرفت (Nabavi & Shahriari, 2014: 70). در سال‌های اخیر مفاهیمی مانند اخلاق محیط‌زیستی توجه زیادی را به خود جلب کرده‌اند. اخلاق محیط‌زیستی رشته‌ای در فلسفه است که رابطه اخلاقی انسان‌ها با محیط‌زیست و همچنین ارزش و وضعیت اخلاقی محیط‌زیست را مطالعه می‌کند (Brennan & Lo, 2015). بسیاری از نویسندگان اولیه ابراز امیدواری کرده‌اند که اخلاق محیط‌زیستی با تجسم مجموعه‌ای از اصول به ما کمک کند تا رابطه ما با دنیای طبیعی در راهی که نظریه‌های اخلاقی سنتی نادیده گرفته‌اند، ترمیم شود (Moran, 2012). در این صورت، انسان متمدن با برخورداری از هنجارهای اخلاقی و فرهنگی مشترک مانند اخلاق محیط‌زیستی با دیگر انسان‌ها در رابطه با محیط‌زیست رفتار معقولانه‌تری از خود نشان داده و می‌تواند برای حفظ

محیط‌زیست و سایر موجودات زنده و پدیده‌های موجود در آن که همگی دارای ارزش ذاتی^۱ هستند، تلاش کند.

در این راستا، مناطق روستایی نیز تحت فشار محیط‌زیستی قابل توجهی، به ویژه از نظر تشدید و گسترش کشاورزی هستند (Halim, 2001). به همین دلیل ترویج که به دنبال توسعه جوامع روستایی است، نقش مهمی در مشهود سازی وضعیت محیط‌زیست دارد (Roling & Pretty, 1996). علی‌رغم این نیاز، معمولاً خدمات ترویج دولتی و مشاوره‌های فنی ارائه شده، به اندازه کافی بر مسائل محیط‌زیست تمرکز ندارند (Spies et al., 2001). به همین دلیل خدمات ترویجی و مشاوره‌ای نیازمند ظرفیت‌های جدید در سطوح فردی، سازمانی و محیط‌زیستی برای مقابله با چالش‌های فعلی هستند (Magoro & Hlungwani, 2014: 89). وجود روستاییانی که از ارتباط بین فعالیت‌های تولیدی و کیفیت محیط‌زیست آگاه باشند از ضرورت‌های پایداری محیط‌زیست محسوب می‌گردد (Ellefson & Hibbard, 2002)؛ بنابراین ضرورت دارد تا ترویج برای حفاظت از منابع تولید و اطمینان از مخرب نبودن فعالیت‌های کشاورزی بر محیط‌زیست، جایگاه مناسبی به اخلاق محیط‌زیستی در فعالیت‌های خود اختصاص دهد (Abedi-Sarvestani & Shahvali, 2009: 120).

حال سؤال این است که آیا ترویج توانایی و قابلیت حفاظت از محیط‌زیست روستایی را دارد؟ آیا ترویج مبانی محیط‌زیستی را در خود جای داده است یا نیاز دارد که از دیدگاه‌های محیط‌زیستی در زمینه حفظ محیط‌زیست روستایی و همچنین توسعه کشاورزی پایدار بهره‌گیرد بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان نزدیکی ارکان فلسفی ترویج به نظریه‌های محیط‌زیستی جهت هدایت ترویج در دستیابی به راهکاری برای مدیریت محیط‌زیست روستایی انجام شد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات تطبیقی-توصیفی است. در مطالعات تطبیقی پدیده‌ها در کنار هم و به منظور تعیین نقاط تشابه و تفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرند (Alvani & Hamidi, 2002: 293). در این پژوهش نیز با بررسی و تحلیل عمیق بعضی از نظریه‌ها و فلسفه‌های مرتبط با محیط‌زیست، مؤلفه‌های اصلی آنها استخراج شد. اینکه مسئله اصلی این نظریات چیست و ریشه مشکلات محیط‌زیست را در چه می‌بینند؟

1. Intrinsic value

مبارزه برای غلبه بر دیدگاه انسان محورانه^۲ چیزی است که رویکرد طبیعت محور و در نظر گرفتن ارزش ذاتی برای طبیعت نامیده می‌شود (Moran, 2012). مشخصه بارز نخستین موج گرایش به محیط‌زیست، توجه به بقای گونه انسان است یعنی از آنجاکه تخریب محیط‌زیست بر حیات انسان تأثیر منفی می‌گذارد، باید نگران بود و برای کاهش آن اقدام به وضع نظام اخلاقی نمود (Haghshenas & Zakeiri, 2008: 25).

در برخی از نظریه‌های اخلاقی نه تنها انسان‌ها بلکه حیوانات دیگر نیز به لحاظ اخلاقی مهم و قابل ملاحظه هستند. برخی اخلاق‌های جانور محور برای حیواناتی از گونه‌های مختلف به لحاظ اخلاقی اهمیت متفاوتی قائل‌اند (Carson, 1962: 75). به همین دلیل بعدها نظریاتی مطرح شد که در آن همه موجودات زنده به لحاظ اخلاقی مهم قلمداد می‌شدند. هرچند که همه این موجودات در یک مرتبه قرار نمی‌گیرند. آتفیلد (۱۹۸۷) دیدگاهی سلسله مراتبی دارد که در آن همه موجودات دارای ارزش ذاتی هستند، اما ارزش ذاتی بعضی از آنها (مانند انسان‌ها) بیشتر از بقیه است (Attfield, 1987). در دیدگاه اصالت دهنده به حیات، گونه‌های مختلف گیاهی و حیوانی از اصالت ویژه‌ای برخوردار هستند به عبارت دیگر تنوع زیستی بالاترین ارزش اخلاقی را در محیط‌زیست دارد (Cunningham et al., 2003). به‌طور کلی می‌توان این روندها را در تکامل فلسفه‌های محیط‌زیستی غرب مشاهده کرد (جدول شماره ۱).

جدول ۱. روند تکاملی دیدگاه‌های محیط‌زیستی غرب (Haghshenas & Zakeiri, 2008: 26)

دوره	اساس
اسطوره‌گرایی	متقدم ترس از طبیعت
	متأخر جاندارانگاری طبیعت
انسان‌گرایی	متقدم انسان‌های معاصر غربی
	متأخر تمام فرهنگ‌ها و همچنین نسل‌های آینده
طبیعت‌گرایی	متقدم توجه به اجزاء طبیعت
	متأخر حیات به صورت یک واحد یکپارچه

حل مشکلات محیط‌زیست در توجه به چه عاملی نهفته است؟ راه‌حل مسائل محیط‌زیست در جامعه کنونی چه می‌تواند باشد؟ و از طریق چه اصولی می‌توان به این راه‌حل‌ها دست یافت. در نهایت این مؤلفه‌ها با ارکان فلسفی ترویج به منظور دستیابی به راهکاری برای مدیریت محیط‌زیست روستایی مقایسه شد.

یافته‌های پژوهش

روند تکاملی دیدگاه‌های محیط‌زیستی

در فرهنگ اساطیری، ارزش‌های اخلاقی مواردی طبیعی محسوب می‌شدند که بر پایه ارتباط متقابل انسان و محیط پیرامونش شکل گرفته بودند. در این عهد، هر درخت، چشمه، نهر، تپه و ... روح محافظ خود را داشت و بسیاری از مظاهر طبیعت مانند خورشید، آب و ... مقدس شمرده شده و به صورت خدایان و الهه‌ها پرستش می‌شدند (Haghshenas & Zakeiri, 2008: 24). بعداً این دوره، دوره انسان‌گرایی مطرح شد. اولین بار سوفسطائیان با شعار انسان میزان همه چیزهاست، انسان را محور اندیشه دانستند (Gaarder, 2005: 78). بر اساس این دیدگاه، فقط این انسان‌ها هستند که حق و حقوقی دارند و در استفاده از محیط‌زیست باید مصالح ایشان مورد ملاحظه قرار گیرد بنابراین انسان تنها موجودی است که دارای ارزش ذاتی بوده و دیگر موجودات ابزاری برای وصول به تمایلات انسان تلقی می‌شوند (Wenz, 2001: 261-285). ارسطو معتقد است که در طبیعت همه چیز به‌طور خاص به خاطر انسان آفریده شده و ارزش غیر انسان‌ها در طبیعت صرفاً ابزاری است (Brennan & Lo, 2015). در ادبیات محیط‌زیست بین ارزش ابزاری^۱ و ارزش ذاتی تمایز وجود دارد که از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. اولی ارزش چیزهایی است که به عنوان ابزاری برای پیشبرد برخی اهداف دیگر به کار می‌روند، درحالی که دومی ارزش چیزهایی است که خود هدف هستند، صرف نظر از این که به عنوان ابزاری برای اهداف دیگر نیز به کار گرفته شوند (Ibid). از دیدگاه اقتصاد محیط طبیعی ارزشی ابزاری دارد و لذا فایده داری آن صرفاً تا جایی است که به ارضای خواسته‌های بشری کمک کند (Barry, 2001). در تقویت و گسترش این مفهوم، جریان‌های تاریخی و فلسفی غرب تأثیر بسیار عمیقی نهاده‌اند، که در رأس آنها می‌توان به جریان‌های امانیستی، اگریستانسیالیستی و اندیشه‌های سودگرایی قرون گذشته و نفوذ آنها به مسائل محیط‌زیست اشاره نمود (Fahimi & Mashhadi, 2010: 199).

آنان بر این باورند که نیازها نمی‌تواند کنترل شود (Steg & Sievers, 2000: 253).

طبیعت بی دوام^۶، دیدگاه تساوی‌گرایان^۷ است. تساوی‌گرایان معتقدند که طبیعت باید به دقت مدیریت شود و دست‌کاری انسان می‌تواند در هر لحظه به فاجعه منجر شود (Yazdanpanah et al., 2012: 6). آنها طبیعت را نامتعادل می‌دانند. از نظر آنها منابع طبیعی رو به اتمام است و منابع برخلاف نیازها قابل کنترل نیست. طبیعت زودگذر با ریسک‌گریزی مرتبط بوده تا آنجا که این خطرات به صورت پنهان، غیرقابل برگشت و ناعادلانه دیده می‌شود. مردم از مشکلات محیط‌زیستی بسیار نگران هستند و فکر می‌کنند که می‌توانند با کاهش سطح نیازهای خود به حل مشکلات محیط‌زیست کمک کنند. طبیعت زودگذر به روابط اجتماعی برای طلبانه‌ی مشروعیت می‌بخشد. استراتژی‌های مدیریت ریسک تساوی‌گرایان، برای نتایج برای نسل‌های حال و نیز آینده می‌باشد. از آنجاکه تصور می‌شود منابع رو به اتمام باشد، به همین علت تنها راه‌حل، کنترل نیازهای فرد است بنابراین آنها خواستار تغییرات اساسی در رفتار فرد و جامعه هستند (Steg & Sievers, 2000: 253).

طبیعت دمدی مزاج^۸ دیدگاه فتالیست‌هاست^۹. فتالیست‌ها (معتقدان به سرنوشت) فرض می‌کنند که طبیعت عجیب و غریب و همیشه در حال تغییر است (Yazdanpanah et al., 2012: 6) و نشان‌دهنده یک سیستم غیرقابل مدیریت و فاقد اثربخشی است (Steg & Sievers, 2000: 253). از این‌رو، آنها نه طبیعت را مدیریت می‌کنند و نه به انجام این کار اشتیاق دارند، چون معتقدند که این کار هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند (Yazdanpanah et al., 2012: 6). طبیعت و منابع به صورت غیرقابل پیش‌بینی دیده می‌شود. بر اساس تصور آنان، نیازها و منابع قابل کنترل نیستند. طبیعت دمدی‌مزاج روابط اجتماعی جبرگرایانه را توجیه می‌کند (Steg & Sievers, 2000: 254). به‌طور کلی، مدیریت محیط‌زیست در هم‌افزایی^{۱۰} با آنچه هستو نه در تخریب و اختلال در آن می‌باشد، بنابراین باید به شیوه‌ای عمل شود که جریان محیط‌زیستی در طبیعت حفظ شود (Mathews, 2003). به همین علت احترام به طبیعت و

روند تکاملی نشان می‌دهد که دوره ترس از طبیعت و آنیمیسم^۱ به‌مرور زمان از جامعه رخت بر بسته و سپس دوره‌های انسان‌محور برج‌جهان حاکم شده است. هرچند که این دیدگاه همچنان در بعضی از مناطق دنیا حاکم است، اما جهان کنونی دریافته که نباید طبیعت را به نفع انسان نادیده بگیرد که نتیجه آن چیزی جز نابودی کامل کره زمین نیست. به همین دلیل بر اساس میزان دست‌کاری انسان در طبیعت و نحوه مدیریت محیط‌زیست، نظریات مختلفی تحت عنوان «اسطوره‌های طبیعت»^۲ ارائه شده است. افسانه‌های طبیعت به باورهای عمومی نسبت به مسائل محیط‌زیستی اشاره دارد (Steg & Sievers, 2000: 254).

طبیعت خوش‌خیم یا بی‌خطر^۳ دیدگاه فردگرایان است. در نتیجه، جهان تجارت، طبیعت را بخشنده و قادر به بازیابی هر چیزی در نظر می‌گیرد (Thompson et al., 1990). طبیعت به صورت یک تعادل پایدار دیده می‌شود. فردگرایان بر این نظرند که منابع فراوان بوده و منابع و نیازها هر دو قابل کنترل هستند. آنان معتقدند راه‌حل‌های فناورانه جدید به وجود می‌آیند بنابراین کمتر به خاطر مشکلات محیط‌زیست ناراحت شده و احساس مسئولیتی برای حل مشکلات محیط‌زیست از طریق تغییر رفتار خود ندارند. طبیعت خوش‌خیم به روابط اجتماعی فردگرایانه مشروعیت می‌بخشد. استراتژی مدیریت ریسک منطقی آنها نظام بازار است آنها به شدت به نیروهای بازار و فرصت برابر برای همه باور دارند (Steg & Sievers, 2000: 251-253).

طبیعت اهل مدارا^۴ دیدگاه سلسله‌مراتب‌گرایان^۵ است. طبیعت اهل مدارا، انعطاف‌پذیر و قادر به کنار آمدن با همه چیز می‌باشد. با این حال، در مواقعی که پدیده‌ای غیرطبیعی رخ دهد، مشکلات ناشی از آن قابل کنترل هستند (Yazdanpanah et al., 2012: 6). طبیعت به شکل یک تعادل ناپایدار با منابع کمیاب دیده می‌شود. سلسله‌مراتب‌گرایان اعتقاد دارند که مشکلات محیط‌زیست را می‌توان به کمک مقررات دولتی و بر اساس دانش کارشناسان کنترل کرد. طبیعت اهل مدارا به روابط اجتماعی سلسله‌مراتبی مشروعیت می‌بخشد. استراتژی آنان رشد پایدار است. این خطامشی کنترل منابع را هدف قرار داده است، چون

6. Nature ephemeral
7. Egalitarians
8. Nature capricious
9. Fatalist
10. Synergy

1. Animism
2. Myths of Nature
3. Nature benign
4. Nature tolerant
5. Hierarchist

دیدگاه دیگر مربوط به منطقه‌گرایان زیستی^۲ است که بر جوامع منطقه‌ای با حاکمیت مردم محلی تکیه دارند و معتقدند افرادی که در یک منطقه زندگی می‌کنند، با تکیه بر دانش بومی خود و رهبری رهبران محلی از توانایی و کارایی بیشتری در حفظ محیط‌زیست برخوردار بوده و محافظت بهتری از طبیعت دارند. چون افراد یک منطقه به دلیل شناخت خود از آن منطقه، درک بهتری از سیستم‌ها و فرایندهای طبیعی دارند و با طبیعت هم‌آهنگ‌تر هستند (Thayer, 2003; Brennan & Lo, 2015). در این دیدگاه، اصول حفاظت، ثبات، خودکفایی، تعاون، عدم تمرکز، مکمل بودن، تنوع، همزیستی و تکامل موردتوجه است (Sale, 1985: 50).

بدین ترتیب انسان به جای تخریب محیط‌زیست، با تعدیل سطح نیازهای خود و تطبیق شیوه زندگی خود با محدودیت‌های موجود می‌تواند نقش مهمی در کاهش و کنترل مشکلات و مسائل مرتبط با محیط‌زیست داشته باشد. به دلیل اینکه دیدگاه از بالا به پایین بر بسیاری از مناطق روستایی سایه انداخته و برنامه‌ریزی‌ها بر تغییر شیوه زندگی مردم برای ایجاد تغییرات دلخواه در جهت منافع کشور حکایت دارد، این امر از یک‌طرف سبب شده تا خوداتکایی مردم روستایی کمتر شود و مردم به دولت وابسته شوند و از طرف دیگر سبب تغییر نحوه زندگی مردم در رابطه با تطبیق با شرایط محیط طبیعی شده است. نیاز است که این دیدگاه نیز در دیدگاه‌های محیط‌زیستی کشور موردتوجه قرار گیرد و مردم هر منطقه را بر اساس فرهنگ و دانش بومی خود در زمینه حفظ محیط‌زیست تقویت کنند. تقویت و توانمندسازی جوامع محلی و تقویت اعتمادبه‌نفس و جلب مشارکت فعال آنان در برنامه‌ریزی‌ها برای حفظ محیط‌زیست باید موردتوجه قرار گیرد.

سبزه‌ها نیز تغییرات اجتماعی را برای حل مسائل محیط‌زیست در نظر می‌گیرند چون معتقد به برقراری صلح، عدالت اجتماعی و دموکراسی برای حفظ محیط‌زیست در جامعه هستند. این امر گاهی تنها با تغییر در قوانین و سیاست‌های دولتی امکان‌پذیر است (Birkeland, 1993). جریان اصلی معمولاً سیستم سیاسی را مناسب دانسته که با تکیه بر سیاست‌های بهتر، پایداری را به ارمغان می‌آورد. بالا بردن سطح آگاهی عمومی و ترویج ارزش‌های حفاظت از طبیعت نیز برای تغییر در رفتار مردم ضروری است (Ibid: 28). به نظر می‌رسد یکی از اهداف آنان تربیت شهروندان متعهد به حفظ محیط‌زیست از طریق آموزش و افزایش مداخلات اجتماعی آنان باشد. بنابراین سبزه‌ها بیشتر متکی بر جریان‌ها و جنبش‌های داوطلبانه جمعی برای حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی هستند. با گذشت نزدیک به سه دهه از تشکیل سمن‌های محیط‌زیستی، اما این جنبش اجتماعی

تبادل سازنده با آن در مدیریت محیط‌زیست مهم است که هر یک از نظریات مختلف محیط‌زیستی به نحوی به آن پرداخته‌اند.

تحلیلی بر نظریات و فلسفه‌های مرتبط با محیط‌زیست با تأکید بر جایگاه آن در کشور

آنیمیسم معتقد به جاری بودن روح در طبیعت بوده و مشکلات محیط‌زیست را ناشی از تفکر پوزیتیویستی و از خود بیگانگی انسان می‌داند که سبب شده تا انسان بر طبیعت چیره شود (Horkheimer, 1969; Brennan & Lo, 2015)؛ چراکه از نظر تفکر پوزیتیویستی، محیط‌زیست، منبعی برای رشد اقتصادی است و معتقدند که علم و فناوری همه مشکلات را حل خواهد کرد. بنابراین آنیمیسم به دنبال غلبه بر مشکلات محیط‌زیست از طریق تغییر رویه انسان نسبت به محیط‌زیست، جان‌گرایی و جان‌بخشی به طبیعت (Brennan & Lo, 2015) و ممانعت از قهر طبیعت می‌باشد. بعید به نظر می‌رسد که در حال حاضر چنین دیدی در کشور ما وجود داشته باشد چراکه اکنون بهره‌برداری بیش از حد از منابع و خارج از توان طبیعت و همچنین دخالت در طبیعت، جزء جدایی‌ناپذیر زندگی مردم به ویژه مردم روستایی شده و فعالیت‌های ترویج نیز در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. آنچه از طبیعت گرفته می‌شود بسیار بیشتر از آنچه می‌باشد که به طبیعت بازگردانده می‌شود و در بده - بستان بین انسان و طبیعت، این طبیعت است که ضرر دیده است. به همین دلیل، این نظریه در حفاظت محیط‌زیست در کشور ما به ویژه در مناطق روستایی می‌تواند موردتوجه قرار گیرد.

بوم‌شناسی اجتماعی^۱ طرفدار دگرگونی اجتماعی در جهت غیر سلسله‌مراتبی و جوامع غیرمتمرکز هستند (Bookchin, 1995, 1982). از نظر بوکچین محیط‌زیست یک جنبش اجتماعی است و مشکلات آن در برابر مشکلات اجتماعی می‌باشد، لذا تمام مشکلات محیط‌زیست از مشکلات اجتماعی ناشی می‌شوند. به همین دلیل بازسازی اجتماعی در راستای خطوط محیط‌زیست مدنظر است. چون آزادی انسان و طبیعت وابسته به یکدیگر است (Bookchin, 1995). تغییر در سازمان‌های اجتماعی و سپس کل جامعه از طریق اصولی مانند مشارکت، دموکراسی، جامعه‌پذیری و ارتباطات مقدر خواهد بود که در حفظ محیط‌زیست نیز نقش خواهد داشت (Ibid). نهایتاً جوامعی پدید خواهد آمد که با استفاده پایدار از منابع می‌توانند به خود متکی باشند.

2. Bioregionalism

1. Social ecology

اکوسوسیالیسم^۲ کنترل منابع و انباشت ثروت در دست یک عده خاص و همچنین ساختارهای طبقاتی موجود را مسئله اصلی خود می‌داند (Birkeland, 1993). آنها با اصالت دادن به جامعه، راه برون‌رفت از این مشکلات را در توزیع مجدد قدرت در جامعه و برقراری عدالت اجتماعی می‌دانند. آنها مالکیت جمعی بر ابزارهای تولید را مدنظر دارند (Lowy, 2005: 18). در این تجدید ساختار جامعه، باید کسانی مورد توجه قرار گیرند که می‌توانند نقش مهمی در حفظ و مدیریت محیط‌زیست ایفا کنند و دیدگاه‌های محیط‌زیستی در هدایت جامعه داشته باشند (Birkeland, 1993: 28). در چنین جامعه‌ای، تولید باید تابع الزامات حفاظت از محیط‌زیست باشد و جامعه دموکراتیک همراه با اصولی چون برابری اجتماعی و مشارکت مردم برای حل مشکلات محیط‌زیست لازم به نظر می‌رسد.

بر اساس بوم‌شناسی عمیق^۳، انسان‌مداری سبب جدایی انسان از طبیعت شده است، ولی هویت، توسط ارتباط آن با چیزهای دیگر در جهان هستی شکل می‌گیرد. به همین دلیل، مراقبت از طبیعت نیاز به خودشناسی انسان دارد (Naess, 1973, 1986؛ چراکه این بحران-ها ناشی از خودخواهی انسان و استثمار طبیعت توسط او می‌باشد. تمرکززدایی و تکیه بر قدرت مناطق زیستی در برنامه‌ریزی‌ها و خط-مشی‌ها از پیش‌زمینه‌های حفظ محیط‌زیست در بوم‌شناسی عمیق است. بوم‌شناسی عمیق، فناوری مناسب و علم غیر سلطه‌گر را مورد تأیید قرار داده و سنت‌های اقلیت‌ها را نیز رد نمی‌کند (Devall & Sessions, 2005). در عوض به دنبال تغییر سیاست‌هاست که اقتصاد عمومی، ساختار فناورانه و ایدئولوژیکی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، لذا بوم‌شناسی عمیق بر این عقیده دارد که برای کاهش فشار بر منابع باید بهره‌وری تولید را افزایش داد (Naess, 1986). در کشور ما، قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی در سال ۱۳۸۹ تصویب شد، با این وجود تغییر چشمگیری در فرایند و روش‌های تولیدی صورت نگرفته است به طوری که بهره‌وری در تولید همچنان یکی از مشکلات اصلی می‌باشد.

وظیفه‌گرایان^۴ با در نظر گرفتن ارزشی ذاتی برابر برای تمام موجودات معتقد هستند که ارزش هرکسی به سهم او در حفظ یکپارچگی، ثبات و زیبایی جهان بستگی دارد (Leopold, 1986; Callicott, 1980). اخلاق وظیفه‌گرایانه ما را به مشاهده خود عمل بدون توجه به نتایج آن توصیه می‌کند (Tannsjo, 2002). به همین

محیط‌زیست‌گرا در ایران گسترش پیدا نکرده است. متأسفانه روند رو به رشد افزایش تعداد این سازمان‌های غیردولتی نتوانسته سبب شود تا آنها بتوانند گام‌های مثبت و تأثیرگذاری در بهبود وضعیت محیط‌زیست کشور بردارند، چراکه ویژگی‌های یک جنبش اجتماعی مانند برخورداری از شبکه‌ای غیررسمی از روابط، گفتمان آگاهی‌بخش در میان حامیان خود و شرکت فعال در فرایند تغییرات اجتماعی از لحاظ فرهنگی و سیاسی را ندارند (Shokri et al., 2008). به همین دلیل برای تقویت این بخش در حفظ محیط‌زیست لازم است که زمینه حضور و فعالیت این سازمان‌ها در جامعه بیشتر شود.

اکوفمینیسم^۱ ساختار سلسله‌مراتبی موجود در جامعه که به مردان برتری می‌بخشد را عامل اصلی مشکلات محیط‌زیست می‌داند (Collins, 1974; Brennan & Lo, 2015). از نظر آنان محیط‌زیست مسئله‌ای جنسیتی است (Gaard, 1993; Moshirzade, 2006) که مشکلات آن در نتیجه وضعیت زنان در جامعه مردسالار به وجود آمده است. طبیعت نیز مانند زنان تحت سلطه و ستم مردان قرار دارد و راه‌حل معضلات محیط‌زیست توقف سلطه مردان و بازسازی روابط و ساختار قدرت در جامعه بر اساس اصول فمینیستی می‌باشد (Birkeland, 1993). به همین دلیل چون زنان به محیط‌زیست نزدیک‌تر هستند، باید حل معضلات محیط‌زیست را به آنان سپرد. از آنجای که جنبه‌های افراطی فمینیسم با ساختارهای جامعه ایران همخوانی چندانی ندارد به حاشیه رانده شده است (Arney, 2008). از طرف دیگر، باید گفت که محیط‌زیست مسئله‌ای عمومی است و نمی‌توان آن را تنها به زنان سپرد. با این حال، توجه به نقش زنان در جامعه برای حفظ محیط‌زیست در کشور ما به ویژه در مناطق روستایی پررنگ و جدی نیست. در ایران اصل عمومی بودن حفاظت از محیط‌زیست (مطابق با اصل پنجاهم قانون اساسی) همگانی بودن آموزش محیط‌زیست را در ضمیر خود نهفته دارد. بنابراین انجام اقداماتی وسیع، همه‌جانبه، مستمر و فراگیر در جهت افزایش دانش و آگاهی‌های محیط‌زیستی جامعه ضروری می‌باشد (Rajab Zadeh, 2009). علی‌رغم این تأکید، هنوز بسیاری از زنان از اصول اولیه و ابتدایی مربوط به محیط‌زیست بی‌اطلاع هستند (Hataminezhad & Jahedi, 2009). اگر چه همه اعضای یک خانوار روستایی، مخاطبان برنامه‌های ترویجی هستند، اما برنامه‌های خاص زنان بسیار کمتر بوده و بیشتر توجه بر قشر تولیدکننده جامعه روستایی است. به همین دلیل نیاز است که با پرهیز از هرگونه افراط و تفریط، زنان را در مسئولیت حفظ محیط‌زیست دخیل کرد.

2. Ecosocialism
3. Deep ecology
4. Deontologists

1. Ecofeminism

می‌شود تا انسان با پیروی از خصلت‌های حیوانی خویش و بدون در نظر گرفتن جایگاه خود در هستی، به سمتی سوق پیدا کند که با خودمحوری، به دنبال ارضای خواسته‌های خویش حتی به بهای تخریب محیط‌زیست برآید (Abedi-Sarvestani et al., 2007: 69). اخلاق محیط‌زیستی مبتنی بر خودشناسی می‌تواند به خداشناسی منجر شود که در آن، عدم سلطه انسان بر طبیعت، همزیستی با محیط‌زیست، جلوگیری از استثمار طبیعت و ائتلاف منابع، مسئولیت‌پذیری نسبت به طبیعت، حفاظت و بهبود وضعیت محیط‌زیست، تقدس محیط‌زیست به دلیل ارتباط آن با خداوند و منع فراموش کردن خویش موردتوجه است (Ibid: 67-69). عدالت، امنیت و اعتدال از اصول اساسی اسلام است که در حفاظت از محیط‌زیست موردتوجه است (Faghfour Maghrebi, 2009). فلسفه اسلام ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری در انسان را برای حفظ محیط‌زیست لازم می‌داند که می‌تواند برای کمک به حل مشکلات محیط‌زیست راهگشا باشد.

کار ترویج یک نوآوری اجتماعی است و مکتبی آموزشی است که در آن طیف وسیع و متنوعی از فعالیت‌های اجتماعی برای بهبود توانایی‌های مردم روستایی جهت پذیرش روش‌های مناسب‌تر و جدیدتر در راستای سازگاری با تغییر شرایط انجام می‌گیرد (Jones & Garforth, 1998). فلسفه ترویج در ادوار گوناگون، تحت تأثیر مکاتب و نظریه‌پردازان مختلفی قرار گرفته است (Shirzadi, 2007).

ترویج در سال‌های ابتدایی با معرفی و ترویج نهادهای شیمیایی در بین کشاورزان به دنبال توسعه فنی کشاورزی و افزایش تولید در این مناطق بود. با به وجود آمدن مشکلات مربوط به محیط‌زیست و سلامتی، تلاش برای ترویج روش‌های تولید پایدار افزایش یافت و توسعه پایدار کشاورزی موردنظر قرار گرفت. در بسیاری از کشورهای دنیا، ترویج علاوه بر افزایش تولید، به دنبال بازسازی محیط‌های روستایی، محرومیت‌زدایی از نواحی روستایی و توسعه اجتماعی و محیط‌زیستی مناطق روستایی نیز هست و پیرو فلسفه توسعه پایدار عمل می‌کند. در ایران، کار اصلی ترویج همچنان تکیه بر تولید است. ترویج برای اینکه موفق عمل کند نیاز دارد که برای افزایش سلامتی و حفظ محیط‌زیست، از دیدگاه‌ها و نظریات مرتبط با محیط‌زیست الگو گرفته و علاوه بر دگرگونی در شیوه‌های تولید و ارتقاء بهره‌وری، تشکیل نهادهای مردمی، توانمندسازی و جلب مشارکت کلیه مردم روستایی و ترویج ارزش‌های محیط‌زیستی اخلاقی و دینی را از یاد نبرد (جدول شماره ۲).

دلیل فایده‌گرایان^۱ را به دلیل در نظر گرفتن خیر و صلاح هر عمل برای انسان مورد سرزنش قرار می‌دهند (Brennan & Lo, 2015). از نظر آنان، انسان می‌تواند با بهره‌گیری از قواعد و اصول اخلاقی، سهم مهمی در کاهش مشکلات محیط‌زیست به ویژه در رابطه با حیات وحش داشته باشد. اگر حفظ محیط‌زیست از وظایف مردم محسوب شود، آنگاه فرد خود را موظف می‌بیند که بر اساس اصول اخلاقی نسبت به محیط‌زیست رفتار کند. برای این امر باید قوانین و ارزش‌های اخلاقی در جامعه حاکم گردد.

توسعه پایدار در رابطه با نابرابری، رشد صنعتی و استفاده بیش از حد از منابع محدود و غیرقابل تجدید موردتوجه قرار گرفت. توسعه پایدار با برخورداری از نگاهی سیستمی و کل نگر به دنبال توسعه متوازن اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی (Barbier, 1987)، با تکیه بر عدالت و انصاف بین نسلی (Caims, 2006) و همچنین بهره‌برداری پایدار از منابع می‌باشد. توسعه پایدار به دنبال تحقق عدالت اجتماعی، تنوع، بهره‌وری، مشارکت و دموکراسی است (Harris, 2000).

طرفداران آن توسعه فناوری‌های منطبق با ظرفیت جامعه و سازگار با محیط‌زیست و تغییر در نهادهای اجتماعی در جهت افزایش مشارکت مردم را مدنظر قرار می‌دهند. توسعه پایدار محیط‌زیست را در کنار اقتصاد موردتوجه قرار می‌دهد. در توسعه پایدار انسان محور همه امور بوده و برای انسان‌ها ارزش بیشتری قائل هستند. توسعه پایدار نیازمند نگاهی سیستمی و متوازن و همچنین در نظر داشتن محیط‌زیست به عنوان یکی از مباحث برنامه‌ریزی‌هاست، امری که به نظر می‌رسد در کشور ما که معمولاً نگاه تک‌بعدی و اقتصادی نگر حاکم است تنها یک جهت‌گیری روشنفکرانه است.

حفاظت از محیط‌زیست یک مفهوم غربی و بیگانه با اسلام نبوده، بلکه چنین مفاهیمی ریشه عمیقی در آموزه‌های اسلامی دارد (Sardar, 1984). در دین اسلام، انسان اشرف مخلوقات نامیده شده است و خلیفه‌الله یعنی جایگزین خداوند بر روی زمین محسوب می‌شود. با این حال، این امر حق ویژه‌ای را برای او ایجاد نمی‌کند، بلکه مسئولیت انسان را در حفظ امانت‌های الهی بیشتر می‌کند. همچنین خداوند انسان را به رعایت اعتدال دعوت کرده است و انسان باید برقراری این توازن را امکان‌پذیر سازد (Kamlaa et al., 2006). به نظر می‌رسد که تخریب محیط‌زیست انعکاسی از فراموش کردن خداوند و به تبع آن، فراموش کردن نفس واقعی خویش است که موجب

1. Utilitarian

جدول ۲. مقایسه دیدگاه‌ها و فلسفه‌های مختلف از لحاظ مؤلفه‌های اصلی

فلسفه‌ها و نظریه‌های مرتبط با محیط‌زیست	مسئله اصلی	کانون توجه	راه‌حل مسائل محیط‌زیست	کمک به ترویج در حفظ محیط‌زیست
آنیمیسیم	از خود بیگانگی انسان	جاندارپنداری طبیعت	افسون دوباره طبیعت	ترویج احترام به طبیعت
اکوفمینیسم	فرهنگ مردسالاری	مساوات طلبی جنسیتی و توقف سلطه	بازسازی روابط و ساختار قدرت بر اساس اصول فمینیستی	توجه به قابلیت زنان و تعیین مسئولیت برای آنان در حفظ محیط‌زیست
منطقه‌گرایی زیستی	نظم اجتماعی	تطبیق با محدودیت‌های محیط‌زیست	بازگشت به جوامع منطقه‌ای خودمختار و خودکفا	تکیه بر دانش بومی و رهبری رهبران محلی
اکوسوسیالیسم	کنترل منابع، انباشت ثروت، ساختارهای طبقاتی	مالکیت جمعی بر ابزارهای تولید	تجدید ساختار جامعه و توزیع مجدد قدرت	تکیه بر مشارکت و بسیج کردن مردم برای حل مشکلات محیط‌زیست
سبزها	رشد صنعتی	سیاست‌های دولتی	تحول اجتماعی و مدیریت پایدار منابع	توسعه ظرفیت‌های انسان و ایجاد سازمان‌های مردمی در حفظ محیط‌زیست
بوم‌شناسی عمیق	انسان‌مداری	سیاست‌ها	خودشناسی انسان	ارتقاء بهره‌وری در تولید
بوم‌شناسی اجتماعی	ساختار سلسله مراتبی	سازمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی	جنبش اجتماعی و آنارشیسم	ترویج کشاورزی پایدار
وظیفه‌گرایی	نتیجه‌گرایی	یکپارچگی و ثبات دنیا	قواعد و اصول اخلاقی	ترویج ارزش‌های اخلاقی محیط‌زیستی
توسعه پایدار	رشد اقتصادی بدون توجه به ابعاد اجتماعی - محیط‌زیستی	نهادهای اجتماعی و فناوری‌های مورد استفاده	توسعه متوازن، برقراری عدالت درون و بین نسلی	توجه به توسعه متوازن و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی
فلسفه اسلام	فراموش کردن خداوند و ذات واقعی خود	خلیفه‌الله بودن انسان	خودشناسی، رواج امانت‌داری، رعایت اعتدال	ترویج ارزش‌های دینی حفظ محیط‌زیست در جامعه
ترویج ایده آل	توسعه فنی کشاورزی	اعضای خانوار روستایی	تأکید بر توسعه کشاورزی پایدار، توسعه متوازن و خودکفایی جوامع محلی	-

منبع: یافته‌های پژوهش

نقد ارکان فلسفی ترویج کشور با نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط با محیط‌زیست

با توجه به تعاریفی که از فلسفه ترویج ارائه شده می‌توان درک کرد که ترویج فلسفه‌ای انسان‌محور دارد و چارچوب فعالیت‌هایش را بر محور فردگرایی و تکامل فرد قرار داده است. به همین دلیل، طبیعت به علت رفع نیازهای مردم و نگرانی از آینده انسان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد بنابراین به طبیعت نگاهی ابزارگرایانه دارد و ارزشی ابزاری برای طبیعت قائل است. با توجه به اینکه ترویج در بسیاری از نقاط دنیا به فلسفه توسعه پایدار نزدیک شده است،

اما در کشور ما همچنان نقش‌ها و کارکردی که برای ترویج تعریف می‌شود، توجه به اهداف اقتصادی است که در بهترین حالت خود بتواند فاصله طبقاتی بین شهر و روستا را کم کند. در سراسر جهان، حرکت به سوی دستیابی به توسعه پایدار به جریان غالب فکری و فلسفی درآمده است، لذا ترویج نیز در سراسر جهان از «تأکید بر تولید» به «تأکید بر بهره‌وری» تغییر جهت داده و به فلسفه پایداری نزدیک شده است (Dart, 2000)، هرچند که تولید همچنان مقدم بر محیط‌زیست است و طبیعت را در کنار منافع مادی که برای انسان دارد مورد توجه قرار می‌دهد. همان‌طور که در جدول

ترویج باید مانند سبزه‌ها به دنبال مدیریت پایدار منابع به‌ویژه در بخش کشاورزی بوده و مانند آنها، راه برون‌رفت از بحران محیط‌زیست را در ظرفیت‌سازی و مداخلات اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها جستجو کند، زیرا ترویج نیز مانند سبزه‌ها، اصولی مانند مشارکت و آموزش را در خود دارد که می‌تواند از این اصول برای حفظ محیط‌زیست روستایی و مدیریت منابع بهره‌بردار. ترویج چون به دنبال توسعه متوازن جوامع محلی است، می‌تواند مانند منطقه‌گرایی زیستی و بوم‌شناسی اجتماعی با تکیه بر دانش بومی مردم، رهبری رهبران محلی، مشارکت و ارتباطات، توسعه محیط‌زیست را موردتوجه قرار دهد (جدول شماره ۳).

شماره ۳ دیده می‌شود، بعضی از اصول فلسفی ترویج در راستای ارکان فلسفی نظریات مرتبط با محیط‌زیست است و آنها با تکیه بر این اصول، در حل مشکلات محیط‌زیست تلاش می‌کنند. از آنجایی که دموکراسی، عدالت و مشارکت (Fami, 2014) از ارکان فلسفی ترویج است، باید از فلسفه خود مانند دیدگاه‌های محیط‌زیست‌گرا برای حفظ محیط‌زیست روستایی بهره‌گیرد. همچنین اگر ترویج بتواند ارزش‌های محیط‌زیستی دینی اسلام را در جامعه گسترش دهد، حس امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها را برانگیخته و آنها در حفظ محیط‌زیست نقش مؤثرتری ایفا خواهند کرد.

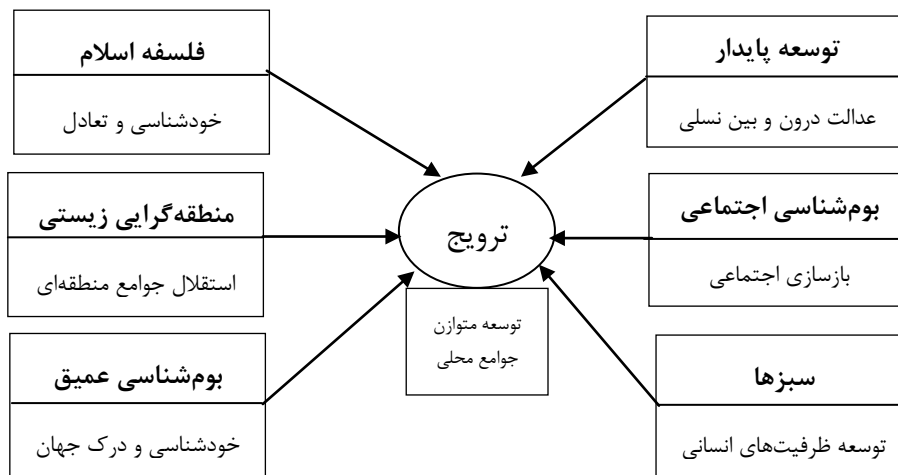
جدول ۳. ارتباط بین فلسفه‌ها و دیدگاه‌های مختلف با ارکان فلسفی و اصول ترویج

دیدگاه‌های مرتبط با محیط‌زیست	ارکان فلسفی	اصول	جهت‌گیری ترویج در کشورهای توسعه‌یافته	جهت‌گیری ترویج در کشورهای در حال توسعه
محیط‌زیست	ارکان فلسفی	اصول	ارکان فلسفی	ارکان فلسفی
فلسفه اسلام	مساوات عدالت دموکراسی اعتدال امنیت	امانت‌داری مسئولیت‌پذیری	عدالت دموکراسی	عدالت دموکراسی
بوم‌شناسی عمیق	تنوع پیچیدگی استقلال	تمرکززدایی بهره‌وری	تنوع استقلال	-
توسعه پایدار	عدالت دموکراسی برابری جنسیتی تنوع	تفکر سیستمی بهره‌وری آینده‌نگری مشارکت پاسخگویی	عدالت دموکراسی برابری جنسیتی تنوع	عدالت دموکراسی
منطقه‌گرایی زیستی	همزیستی ثبات تنوع تکامل	تعاون دانش بومی رهبری خودکفایی عدم تمرکز	همزیستی تنوع رهبری خودکفایی عدم تمرکز	-
بوم‌شناسی اجتماعی	دموکراسی تنوع پیچیدگی تعادل	ارتباطات مشارکت عدم تمرکز	دموکراسی تنوع	دموکراسی
سبزه‌ها	عدالت صلح دموکراسی	مشارکت آموزش	عدالت دموکراسی	عدالت دموکراسی

منبع: یافته‌های پژوهش

توجه به حفظ محیط‌زیست با توجه به مشکلات موجود و چالش‌های پیش‌رو، ضرورتی است که نشان می‌دهد کارکردها و وظایف ترویج نیز نیاز به بروز رسانی و در صورت لزوم، تغییر داشته و ترویج نمی‌تواند با رویه قبلی خود پاسخگوی نیازهای حال حاضر باشد. اصولی که با توجه به ماهیت ترویج نیاز بدان‌ها احساس می‌شود، تأکید بر عدم تمرکز، حفظ تنوع، آینده‌نگری و تفکر سیستمی است. آنگاه با در نظر گرفتن این اصول و تکیه بر اصول فلسفی خود باید در خطوط فکری خود مسائلی چون برقراری عدالت درون و بین نسلی، توانمندسازی و اقتدار جوامع محلی، بازسازی اجتماعی و همچنین توسعه ظرفیت‌های انسانی را برای حل مسائل مختلف محیط‌زیست در نظر گیرد (شکل شماره ۱).

توجه به حفظ محیط‌زیست با توجه به مشکلات موجود و چالش‌های پیش‌رو، ضرورتی است که نشان می‌دهد کارکردها و وظایف ترویج نیز نیاز به بروز رسانی و در صورت لزوم، تغییر داشته و ترویج نمی‌تواند با رویه قبلی خود پاسخگوی نیازهای حال حاضر باشد. اصولی که با توجه به ماهیت ترویج نیاز بدان‌ها احساس می‌شود، تأکید بر عدم تمرکز، حفظ تنوع، آینده‌نگری و تفکر سیستمی است. آنگاه با در نظر گرفتن این اصول و تکیه بر اصول فلسفی خود باید در خطوط فکری خود مسائلی چون برقراری عدالت درون و بین نسلی، توانمندسازی و اقتدار جوامع محلی، بازسازی اجتماعی و همچنین توسعه ظرفیت‌های انسانی را برای حل مسائل مختلف محیط‌زیست در نظر گیرد (شکل شماره ۱).



شکل ۱. لزوم هماهنگ شدن ترویج در جهت نظریه‌های فلسفی برای حفاظت از محیط‌زیست

سیاست‌های اجرایی جستجو کرد که سبب به انحراف کشیده شدن آن شده است. بر اساس تحلیل‌ها و مقایسات انجام‌شده، ترویج خالی از مبانی محیط‌زیست نیست و مبانی فلسفی و اصول ترویج بر بعضی از دیدگاه‌های محیط‌زیستی منطبق است. با این حال، چون حفظ محیط‌زیست در تفکرات تصمیم‌گیرندگان جایی ندارد، این اصول برای حفظ محیط‌زیست روستایی به کار گرفته نمی‌شود، همان اصولی که اساس بسیاری از نظریات و فلسفه‌های محیط‌زیستی در حفاظت از محیط‌زیست است. اگر ترویج بتواند مانند دیدگاه‌های محیط‌زیست‌گرا از اصول فلسفی خودش در حفظ محیط‌زیست استفاده کند، پتانسیل این را دارد که به‌طور چشمگیری از مشکلات محیط‌زیست روستاها بکاهد.

یکی از مشکلات ترویج این است که با تکیه بر اهداف اصلی سیاست‌های کشاورزی، بر خودکفایی در یک محصول خاص تأکید کرده و بر تولید بیش از توان و ظرفیت مناطق روستایی اصرار دارد. این امر سبب بر هم زدن تعادل در طبیعت و کاهش تنوع در مناطق روستایی شده است. به همین دلیل مشکلات زیادی در محیط‌زیست روستاها به وجود آمده که اگر حل نشود، سرانجام ناخوشایندی را رقم خواهد زد. اگر ترویج در رویه کنونی خود تغییر داده و تولید متناسب با شرایط منطقه و فناوری‌های سازگار با محیط‌زیست را در دستور کار خود قرار دهد و تنوع در تولید را به عنوان اساس خودکفایی جامعه روستایی در نظر گیرد، بهتر می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی روستاها کمک کند، ضمن اینکه محیط‌زیست را آلوده و دست‌خوش فعالیت‌های اقتصادی بشر ننماید.

متأسفانه مشکلات و معضلات مربوط به محیط‌زیست در کشور ما مانند بسیاری از کشورهای اسلامی بسیار گسترده است. این امر در حالی صورت می‌گیرد که یکی از بهترین مکاتب

مطابق با شکل ۱، حفاظت از محیط‌زیست، نیازمند خودشناسی انسان و درک هستی توسط او است. چون ریشه بسیاری از مشکلات محیط‌زیست را می‌توان در دور افتادن انسان از ذات خود و سلطه بر طبیعت جستجو کرد. اگر انسان درک درستی از جهان پیرامون و جایگاه خود در آن داشته باشد، می‌تواند رفتار سازگارتری در جهت حفظ محیط‌زیست از خود نشان دهد. تعامل مناسب انسان با محیط بر مبنای خودشناسی، صیانت نفس و ایجاد حس یگانگی با تمامی مخلوقات خداوند امکان‌پذیر است (Abedi-Sarvestani et al., 2007: 70). برای این کار انسان باید در هارمونی با آنچه هست زندگی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

فلسفه ترویج در سال‌های گذشته، تحت تأثیر مکاتب و نظریه‌پردازان مختلفی قرار گرفته است. ترویج با ایده توسعه فنی کشاورزی و افزایش تولید در مناطق روستایی ظهور کرد. بعدها کاهش فقر و برقراری عدالت در مناطق روستایی نیز مورد توجه ترویج قرار گرفت. سپس با به وجود آمدن مشکلات مربوط به محیط‌زیست و سلامتی، تلاش برای ترویج روش‌های تولید پایدار افزایش یافت و توسعه پایدار کشاورزی مورد نظر قرار گرفت. گرچه به نظر می‌رسد رشد اقتصادی و افزایش تولید همچنان اولویت اول ترویج به منظور کاهش فقر و رفع محرومیت نواحی روستایی باشد.

با اینکه مرور فلسفه‌ها و نظریه‌های محیط‌زیستی نشان می‌دهد که ترویج با بعضی از دیدگاه‌های محیط‌زیستی نزدیکی داشته و در تعدادی از اصول با آنها مشترک است، اما نتوانسته کار چندانی در حفظ محیط‌زیست روستایی و مدیریت منابع انجام دهد. شاید مشکل ترویج متداول را بتوان بیشتر در هدف‌گذاری و

باید تمام قشرهای روستایی را درگیر و ترغیب نمود. ولی به دلیل اینکه زنان را در جامعه روستایی در مقام تصمیم‌گیری نمی‌بینند، به‌طور کلی در اکثر برنامه‌های توسعه روستایی کمتر مورد توجه قرار می‌دهند. با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل زنان، نادیده گرفتن آنان نادیده گرفتن توانایی‌های نیمی از جامعه است. همچنین آموزش و ترغیب مردم در ایجاد و توسعه تشکل‌های مردمی برای حل مسائل محیط‌زیست ضرورتی است که در جامعه حس می‌شود و یکی از اهداف ترویج نیز سازمان‌دهی و حمایت از تشکل‌های مردمی برای توانمندسازی و توسعه جوامع روستایی است. علی‌رغم این هدف‌گذاری، تشکل‌های مردمی و سازمان‌های روستایی توسعه‌چندانی پیدا نکرده‌اند. به همین دلیل لازم است که ترویج در باور خود به فرد محوری تجدیدنظر کرده و جمع را کانون توجه و محور توسعه متوازن قرار دهد.

ترویج علاوه بر اینکه برای افزایش کارایی و بهره‌وری به بهره‌گیری از اصولی مانند مشارکت، آموزش و ارتباطات در درون فلسفه خود نیاز دارد، باید اصول دیگری چون عدم تمرکز، بهره‌وری، حمایت از تنوع، آینده‌نگری، تفکر سیستمی و غیره را مورد توجه قرار دهد تا بتواند توسعه محیط‌زیست روستایی را امکان‌پذیر سازد. هرچند که در سال‌های اخیر، عدم تمرکز تا حدی مورد توجه قرار گرفته ولی این توجه کمتر جنبه عملیاتی به خود گرفته است. همچنین لازم است تا تفکر سیستمی و آینده‌نگری در برنامه‌های توسعه کشور به‌طور اعم و در برنامه‌های ترویجی به‌طور اخص لحاظ شود تا بعد از اجرای یک برنامه، به اصطلاح از چاله درنیامده و به چاه نیفتیم.

فلسفی که به حفظ محیط‌زیست نیز توجه ویژه‌ای نموده است، بر این کشورها حاکم است. با توجه به اینکه دور افتادن انسان از ذات خود و غلبه بر طبیعت یکی از علل اصلی مشکلات محیط‌زیست برشمرده می‌شود، بازگشت به خویشتن خویش در سایه خودشناسی و تعامل با محیط‌زیست، می‌تواند ریشه بسیاری از مشکلات محیط‌زیست را در پرتو فلسفه اسلام بخشکاند.

در جامعه روستایی شخصیت‌های مذهبی در زمره رهبران محلی قرار می‌گیرند. اگر در جامعه روستایی یک شخص مذهبی بگوید کاری برای محیط‌زیست خوب نیست، یا حتی با استناد به آیات قرآنی استدلال کند که کار آنها به محیط‌زیست ضربه می‌زند و سبب نارضایتی خداوند خواهد شد، مردم روستایی را بسیار تحت تأثیر قرار خواهد داد. از آنجایی که ارزش‌های دینی می‌تواند راهنمای انسان در زندگی و نجات‌بخش او باشد، بنابراین ترویج باید با تکیه بر اصول مرتبط با حفظ محیط‌زیست در دین اسلام، جامعه روستایی را به حفظ محیط‌زیست و بهره‌برداری پایدار از منابع ترغیب نماید.

خودشناسی، حفظ تعادل و درک هستی توسط انسان بر مبنای بوم‌شناسی عمیق و فلسفه اسلام پیش‌نیاز حفاظت از محیط‌زیست است. علاوه بر خودشناسی، حرکت بر مبنای بازسازی اجتماعی در روستاها، توسعه متوازن، توانمندسازی جوامع محلی و تغییر در رفتار فرد و جامعه در فلسفه ترویج با توجه به ماهیت آن قابل توجه است. یک جامعه توانمند جامعه‌ای خودکفا خواهد بود که با تکیه بر توانایی‌ها و استعدادهای ذاتی و درونی خود می‌تواند شیوه زندگی خود را با شرایط محیطی وفق داده و آینده‌پایداری را رقم بزند. در راستای توانمندسازی جامعه روستایی و توسعه متوازن،

References

- Abedi-Sarvestani, A. Shahvali, M. & mo-haghegh damad, S. M. (2007). "Nature and perspective of environmental ethics with emphasis on Islamic perspective". *Journal of Ethics in Science and Technology*, 2(1 & 2), 72-59. [In Persian].
- Abedi-Sarvestani, A. & Shahvali, M. (2009). "The role of agricultural extension in promoting environmental ethics of farmers". *Journal of Ethics in Science & Technology*, 4(1& 2), 120-130. [In Persian].
- Alavi Moghaddam, S.M.R. & Ghasemi, A. (2009). "Ethics and philosophy of environmental and necessity of attention its role in the world today". *Journal of humans and the environment*, 8(4), 56-51. [In Persian].
- Alvani, S. M. & Hamidi, N. (2002). "Comparative study for providing a technology development model in Iran (with an emphasis on government, university and industry)". *Sixth Congress of cooperation between government, university and industry for national development*, 17 & 18 December 2002. [In Persian].
- Arney, A. (2008). "Review of Feminist Movement with emphasis on the feminist movement of Iran". *Quarterly Zeribar*, 12(65-66). [In Persian].
- Attfeld, R. (1987). "A Theory of Value and Obligation". London.
- Barbier, E. B. (1987). "The Concept of Sustainable Economic Development". *Environmental Conservation*, 14(2), 101-110.
- Barry, J. (2001). "Environmental and social theory". Translated by Hassan Pouyan and Nayereh Tavakoli, Environmental Protection Agency, First Edition. [In Persian].
- Birkeland, J. (1993). "Ecofeminism: Linking Theory and Practice". Pp 13-59. Greta Gaard (Eds). *Ecofeminism Women, Ani-*

- mals, Nature. Philadelphia: Temple University Press.
- Bookchin, M. (1982). "The Ecology of Freedom: The Emergence and Dissolution of Hierarchy". Palo Alto, CA: Cheshire Books.
- Bookchin, M. (1995). "What is social ecology?" In: Sterba J P, Editor. *Earth Ethics*. Prentice Hall, London, pp. 245-259.
- Brennan, A. & Lo, Y. (2015). "Environmental Ethics". *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (fall 2015 Edition).
- Cairns, R. D. (2006). "On accounting for sustainable development and accounting for the environment". *Resource Policy*, 31(4), 211-216.
- Callicott, J. B. (1980). "Animal Liberation, a Triangular Affair". Reprinted in Callicott 1989, pp. 15-38.
- Carson, R. (1962). "Silent Spring". New York.
- Collins, S. (1974). "A Different Heaven and Earth". Valley Forge: Judson Press.
- Cunningham, W. P. Cunningham, M. A. & Saigo, B. W. (2003). "Environmental Science: A global concern". 7th edition, McGraw-Hill higher education.
- Dart, J. J. (2000). "Stories for change: a new model of evaluation for agricultural extension project in Australia". Unpublished doctoral dissertation, Institute of Land and Food Resources, University of Melbourne.
- Devall, B. & Sessions, G. (2005). "Deep ecology", environmental ethics (Volume II). Translated by Mehdi Davoudi, Tehran: development Publication. [In Persian].
- Ellefson, P. V. & Hibbard, C. M. (2002). "Public Education and Extension" (Indicator53).
- Faghfour Maghrebi, H. (2009). "Environmental ethics principle from an Islamic perspective". *Journal of Medical Ethics*, 3(8), 44-11. [In Persian].
- Fahimi, A. & Mashhadi, A. (2010). "Intrinsic and instrumental value in environmental philosophy (from philosophical approaches to legal strategies)". *The Journal of Philosophical Theological research*, 11(41), 195-216. [In Persian].
- Fami, Sh. (2014). "Principles of Agricultural Extension and Education". Payam Noor University Press. [In Persian].
- Gaard, G. (1993), "Living Interconnections with Animals and Nature". Pp 1-12. Greta Gaard (Eds). *Ecofeminism Women, Animals, Nature*. Philadelphia: Temple University Press.
- Gaarder, J. (2005). "Sophie's World". Translated by Hassan Kamshad, Niloufar Publications, Eighth Edition. [In Persian].
- Haghshenas, M. & Zakeiri, S. M. H. (2008). "Search for the concepts of environmental ethics in Islamic teachings". *Journal of Ethics in Science and Technology*, 3(1&2), 30-23. [In Persian].
- Halim, D. A. (2001). "Participatory environment education and training for sustainable agricultural". Tim L. Wentling, Ronny Aadhikarya, Chye-Hean Teoh(Eds) *Integrating environment education into in-service training of agricultural extension workers in Bangladesh* (Chapter 9).
- Harris, J. M. (2000). "Basic Principles of Sustainable Development". Global Development and Environment Institute, Tufts University.
- Hataminezhad, H. & Jahedi, F. (2009). "Place of Environmental knowledge of women in sustainable urban development". *Municipalities*, 9(95). [In Persian].
- Horkheimer, M. & Adorno, T. (1969). "Dialectic of Enlightenment". trans. J. Cumming, New York: Seabury Press 1972.
- Hosseini, F. & Amigh, M. (2006). "Environmental ethics in Islam". Motahari publication. [In Persian].
- Jones, G. E. & Garforth, C. (1998). "The history, development, and future of agricultural extension". Improving agricultural extension: a reference manual was prepared under a contract between FAO and the International Program for Agricultural Knowledge System.
- Kamlaa, R. Gallhofer, S. & Haslam, J. (2006). "Islam, nature and accounting: Islamic principles and the notion of accounting for the environment". *Accounting Forum*, 30(3), 245-265.
- Kiani Haft Lang, K. (2005). "Human Ecology". Tehran: Paniz Publications. [In Persian].
- Leopold, A. (1986). "A Sand County Almanac (Outdoor Essays & Reflections)". Ballantine Books; Reprint edition.
- Lowy, M. (2005). "What Is Ecosocialism?". *Capitalism Nature Socialism*, 16(2), 15-24.
- Magoro, M. D. & Hlungwani, S. S. (2014). "The role of agricultural extension in the 21 century: reflections from Africa". *International Journal Agricultural Extension*, 2(1), 89-93.
- Mathews, F. (2003). "For Love of Matter". Albany: State University of New York Press.
- Moran, J. (2012). "Three Challenges for Environmental Philosophy".
- Moshirzade, H. (2006). "From movement to theory (History of Two Centuries of feminism)". Tehran: Tiraje Publications. [In Persian].
- Nabavi, S. A. & Shahriari, M. (2014). "Religion, ethics and environment". *Humans*

- and environment*, 12(2), 69-83. [In Persian].
- Naess, A. (1973). "The Shallow and the Deep, Long-Range Ecology Movement". *Inquiry*, 16(1).
- Naess, A. (1986). "The Deep Ecological Movement Some Philosophical Aspects". *Philosophical Inquiry*, 8(1-2).
- Rajab Zadeh, M. A. (2009). "Comprehensive program of environment public education". [In Persian].
- Roling, N. & Pretty, J. N. (1996). "Extension's role in sustainable agricultural development".
- Sale, K. (1985). "Dwellers in the Land: The Bioregional Vision". Atenas y Londres: The University of Georgia Press, 2000 (original publicado: San Francisco, CA: Sierra Club, 1985).
- Sardar, Z. (Ed.) (1984). "The touch of Midas: Science, values and environment in Islam and the West". Manchester: Manchester University Press.
- Shirzadi, H. (2007). "Extension terminology". *Jahad*, 277, 233-266. [In Persian].
- Shokri, G.A. Ismail Zadeh, Kh. & Rafi'ei, M. (2008). "Evaluation of the green movement in Iran". *Quarterly Zeribar*, 65 -66, 205-214. [In Persian].
- Spies, C. I. S. Chamala, S. Wegener, M. & Beeton, R. (2001). "The need for environmental extension education in facilitating sustainability of pig and poultry industries in Santa Catarina State, Brazil".
- Steg, L. & Sievers, I. (2000). "Cultural Theory of Individual Perceptions of Environmental Risks". *Environment and Behavior*, 32(2), 248-267.
- Tannsjo, T. (2002). "Understanding Ethics". First edition, Edinburg: Edinburg University Press.
- Thayer, Jr. R.L. (2003). "LifePlace: Bioregional Thought and Practice". Berkeley: University of California Press.
- Thompson, M. Ellis, R. & Wildavsky, A. (1990). "Cultural theory". Westview Press.
- Wenz, P. S. (2001). "Environmental Ethics". New York: Oxford university press.
- Yazdanpanah, M. Hayati, D. & Zamani, Gh. H. (2012). "Investigating Agricultural Professionals' Intentions and Behaviours towards Water Conservation: Using a Modified Theory of Planned Behaviour". *Environmental Sciences*, 9(1), 1-22.